

مانیفست

جنبش علیه بیکاری

صفحه ۲

بیکاری یک هیولا است. اما این هیولا از خون ما، از خون تک تک ما کارگران تغذیه میکند؛ پیکر عظیم این هیولای درنده و ظاهرا غیر قابل غلبه از تردید و دودلی نهفته در قلب کارگران نیرو میگیرد. ابعاد عظیم این هیولا آنجاست که بر دوش خوب ترین بخش جامعه تالاب و پلیدی را شکل داده است؛ از عطش سازندگی، فلاکت و تباهی را گسترده اند؛ احساس مسئولیت و عشق به هموع، شراکت، فداکاری و پاک ترین منش های انسانی را با تفرقه و رقابت بقاء جایگزین ساخته اند.

مراجمانه شوراهای بیکاران

صفحه ۵

علیه بیکاری
WWW.A-BIKARI.COM

با "علیه بیکاری" تماس بگیرید!

یک نشریه کارگری است. تلاش و هدف ما اینست که تعداد هر چه بیشتری از کارگران دنبال نشریه باشند، آنرا بفهوانند و آنرا دوست خود بدانند. ما میفواهیم مبشر سازمان یابی و اتماد کارگران، و عمای دست فعالین کارگری در اینراه باشیم. info@a-bikari.com

مانیفست جنبش علیه بیکاری

جامعه ایران در اعماق مصائب ناشی از بیکاری با فقر و تباهی و فلاکت دست بگریبان است. مهر "بیکاری" بر دنیای سیاست و مناسبات طبقاتی، بر کشش و کوشش روزمره، بر باورها و امید و ناامیدی، بر زبان و ادبیات، بر ارزشهای فردی و اجتماعی حاکم غیر قابل انکار است. این جامعه در قرق صف طولانی از صاحب منصبان، از وزرا و وکلا است که برای بیکاری نقشه میریزند، قانون میآورند و میبرند، فخر میفروشند و با خونسردی در مقابل عواقب خانمان برانداز آن شانه بالا میاندازند. سیمای سیاسی ایران از پلاتفرم دولتها و ارگانهای حکومتی تا تصویر مشترک عمومی مردم از خوشبختی به یکباره از هر گونه بلند پروازی تهی شده و به کف خیابانها سقوط کرده است: یک شغل و نه بیشتر!
نگاه کنید!

ایران کعبه آمال بورژوازی در تحقق وسوسه "کارفرما هر وقت عشقش کشید، بتواند کارگر را بگیرد و بیاندازد بیرون"؛
ایران شهر چراغان عدلیه بورژوازی "هر وقت عشقش کشید دستمزد بپردازد، هر وقت عشقش کشید قوه قضائیه را شلاق بدست به جان کارگران بیاندازد"؛
ایران مدینه فاضله زباله های فکری حول "سیاست اشتغال و نه پول پاشی و تن پروری" است؛

ایران شهر شلنگ تخته کاربدستان دولت تا خانه کارگر در گستاخی علیه حقوق و حرمت و امنیت و معیشت جمعیت کارکن جامعه است.

صفحات روزنامه ها در میان تلنباری از بازی دلک مابانه ارقام و منحنی های بغایت پوچ و مسخره هر روز میتواند، هر بخشی از زندگی شهروندان را با مخاطره روبرو سازند. این دوره، دوره رکود و بحران و کسر بودجه است، اما سهم بی سابقه ای از خزانه عمومی به جیب هنر کاربرد ورشکستگی و ورشکسته ها میرود. سال پس از سال شعار نظم و صرفه جویی برافراشته میشود تا ساختار دولت رسماً با فساد و ارتشاء در تنیده گردد. بخش عظیم طبقه کارگر بیشتر و بیشتر کار میکند و با هر گام تعداد بیشتری از همین طبقه به کام بیکاری و تباهی فرو میرود.

وحدت طبقه کارگر و آمادگی دخالت در خنثی کردن موانع و توطئه های سیاسی و پلیسی دولت و سرمایه داران علیه کارگران خواهد بود.

۱۲- ما جنبشی متشکل از کارگرانی را میسازیم که آزادانه و صادقانه با آغوش باز هیچ مانع و مرزی در راه گسترش رفاقت های کارگری جلودارشان نخواهد بود. شورا نمیتواند به هر گونه ستم و نابرابری معترض نباشد. ما با هر وسیله ممکن از هرگونه مبارزه کارگران، شاغل و بیکار، در این کشور یا هر کشور دیگر پشتیبانی می کنیم.

۱۳- ما جنبشی را ایجاد می کنیم که در چاره جویی در راه کمترین نیازهای کارگران بیکار و خانواده خود را به در و دیوار میزند، اما هرگز فراموش نمی کند که همه مبارزات ما باید سمت پیروزی در ابعاد سراسری و در تحمیل قوانین به نفع کل طبقه کارگر، و در همراهی و بسیج کل صفوف طبقه متمرکز باشد.

۱۴- ما جنبشی حق طلبانه را می سازیم که مظلوم نمایی و ترحم جویی را خوار می شمارد؛ لاف نمیزند، بلکه می جنگد؛ اهل زد و بند و توافقات پنهانی نیست، بلکه به اهرم های مادی و سازمان یافته متکی است؛ جنبشی که به انتظار معجزه نمینشیند، به توهم دامن نمیزند، بلکه همواره در صف جلوی دستاوردهای هر چند کوچک از طریق مبارزه، تلاش، و از خود گذشتگی ایستاده است.

۱۵- ما جنبشی می سازیم که به هیچ قول و وعده اعتماد ندارد، اما قدرت سازمان یافته را به تضمین تهور در کسب امتیازات کوچک برای پیروزی هر چه بزرگتر این جنبش تبدیل میکند.

۱۶- جنبش ما در چهره هر کارگر و زحمتکش یک دوست و متحد می بیند؛ ولی همه آنهایی که ما را به صبوری در مقابل رنجها، خویشتن داری در مقابل سرکوبگران، واقع بینی در مطالبات، تحمل در مقابل خیانت، تمجید در مقابل پسمانده های خیرمنشانه، و هر گونه اندرز و بزک بساط استثمار و آقایی طبقات بالا دعوت میکنند؛ یک دشمن می شناسد.

۱۷- جنبش ما برای سازماندهی مفیدترین و در نتیجه قدرتمندترین بخش جمعیت خیز برداشته است، کارگرانی که تولید همه ثروت و نعمات جامعه در گرو تلاش آنها است. جنبش ما خود را بخشی از حرکت بزرگتر طبقه کارگر با افق برقراری حکومت کارگری میداند، که بنوبه خود الهام بخش و قطب نمای فعالیتهای ما علیه بیکاری است.

۵- این سازمان نه وقت و نه تمایلی به ترسیم و تعقیب نقشه های یک سازمان " ایده آل " خیالی و از پیشی را ندارد. عضویت در این سازمان مستلزم این درک مشترک است که تجربه بدست آمده در دوره های مبارزه بهترین الگوی فعالیت را فراهم می کند، و در همین پروسه کارگران قواعد، مقررات و فرمهای سازمانی را جهت تقویت کار مشترک و موثر تجربه و انتخاب میکنند.

۶- هر واحد از شورای بیکاران متشکل از صدها عضو شجاع و رزمنده ای است که تامین زندگی کارگران را مافوق سودجویی سرمایه داران میدانند، و در جهت دفاع از محرومان تردیدی به خود راه نمیدهند.

۷- شورای بیکاران محل تجمع داوطلبانه کسانی است که از بیکاری رنج می برند. موفقیت ما بستگی مستقیم به ابتکارات متکی به چاره جویی جمعی و توسعه این ابتکارات در عمل دارد. این ابتکار عمل به منظور ارائه پیشنهادهای مداوم برای بهبود ساختار سازمانی و مقررات نهضت ما است.

۸- در عین حال، باید بدانیم که فعالیت جمعی ما از آنجا ضروری شده است که اقدامات فردی ما ناکافی و غیر موثر است. تقویت فعالیت جمعی یک هدف مهم ما میباشد. به همین دلیل هر کس یا گروهی که خود را جدا و بالاتر از تصمیمات و اراده جمع قرار میدهد، جایی در شورا نخواهد داشت.

۹- جنبش ما در هر قدم متکی به اتحاد هر چه بزرگتر و عمیق طبقاتی از توده های کارگر است. در شوراها هیچ مرزی برای شرکت و دخالت و حمایت کارگران از هر جنس، ملیت، مذهب، تعلقات سیاسی و غیره مطلقا وجود ندارد. مقابله با تفرقه و تنهایی و انزوا یک ستون اصلی از فلسفه فعالیتهای شورا، و یک هدف در خود آن است. شورا باید فعالانه موارد و زمینه های تفرقه را بشناسد، جستجو کند و در غلبه بر آن بیقراری نشان دهد.

۱۰- بیکاری به یک پدیده هر چه عادی تری در زندگی کارگران تبدیل شده است. به همین دلیل حفظ پیوند با کارگران شاغل و بخصوص کارگران جوان واحدهای صنعتی بمنظور تقویت روحیه اعتراضی و دلگرمی به حمایت طبقاتی یک وجه دائمی فعالیت شورا است.

۱۱- فعالیت و مشارکت در شورای بیکاران به معنای آگاهی بیشتر و عمیق تر با امر

رفقای کارگر!

ایران سرزمین سازندگی ثروت و دارایی است، و این سازندگی با بیکاری، جنایت، خون و فرودستی عجیب است. هر روز با طلوع آفتاب خانواده بزرگ چهل میلیونی تبار ما زیر آسمان بیکاری چشم به روز دیگری از زندگی محنت بار خود باز میکنیم. در این دوره نیروی کار تقریباً مجانی کارگر ایران و چهار میلیون کارگر افغانی در مشت سرمایه دار ایران قرار گرفت. مهمترین مشخصه این دوره نامحدود بودن نیروی کار در دسترس کارفرمایان است. میلیونها، ده میلیون، بیست میلیون، سی میلیون، چهل میلیون، زن یا مرد، کودک، با هر دستمزدی و یا بدون دستمزد، بدون هیچ حفاظی در اختیار کارفرمایان بوده است. در تاریخ توحش سرمایه نام ایران بعنوان خطه ای که در آن بدون نیاز به یک چهار دیواری، بدون نیاز به بیل و کلنگ، بدون نیاز به یک کاغذ پاره قراردادی، بدون نیاز حتی به وعده دستمزد؛ میلیونها کارگر را به جان معادن، گیاهان بیابانها، به جان آشغالدانی ها انداختند؛ سرزمینی که در آن کشتن کارگر در محل کار بلامانع است، جاودانه خواهد ماند.

رفقای کارگر!

مرگ، ترس از مرگ بر اثر بیکاری و گرسنگی محرک رونق "صنایعی" است که سود سرشاری را نصیب نسل جدید سرمایه داران ایران می سازد. غول بیکاری همه شیره توانایی و ظرفیتهای سازندگی یک طبقه را مکیده است. هیولای بیکاری مگر چقدر میتواند قدر بر افرازد؟ بازار میلیونی کار کودکان و تن فروشی و جان کندن خانوادگی بجای خود، مگر بازار دیگری جز قمار مرگ کولبری، جز فروش کلیه و خون و مغز استخوان هم میتواند آزمایش شود؟! طبقه کارگر در ایران در در مقابله با مصیبت بیکاری و در مقابل یک بورژوازی هار با توسل به همه ذخایر توهم از "تولید ملی" تا "برجام" برای خود وقت خریده است. بعد از بازار گسترده "نذر و دعای بیکاری" و بعد از نسخه مناطق آزاد صنعتی، آیا توهم دیگری باقی است که طبقه کارگر بتواند با توسل به آن از نبرد تعیین کننده پس بنشیند؟

بیکاری یک هیولا است. اما این هیولا از خون ما، از خون تک تک ما کارگران تغذیه میکند؛ بیکار عظیم این هیولای درنده و ظاهرا غیر قابل غلبه از تردید و دودلی نهفته در قلب کارگران نیرو میگیرد. ابعاد عظیم این هیولا آنجاست که بر دوش خوب ترین بخش جامعه تالاب و پلیدی را شکل داده است؛ از عطش سازندگی، فلاکت و تباهی را گسترده

است؛ احساس مسئولیت و عشق به هموع، شراکت، فداکاری و پاک ترین منش های انسانی را با تفرقه و رقابت بقاء جایگزین ساخته است.

بیکاری یک هیولا است، دولت است، طبقه حاکمه است، در هیبت کارفرما، در هیبت نکبت تسلیم مذهبی و در بیان قانونی، در توجیه لشکر موجب بگیران رسانه ها و دانشگاهی، در میان تلاش معاش و در کشمکش خرد کننده میان ترس و عصیان؛ جولان میدهد.

بیکاری ابوالهول گانگستریسم حکومت اسلامی سرمایه و در مقابل حق حیات برای طبقه کارگر و کل جامعه در ایران است. این گانگسترها دختر بچه های خانواده کارگری را به بیگاری و اسارت جسمی-روحي-جنسی دخمه های فرش بافی میگمارند؛ کمر زنان طبقه ما را زیر کار بی اجر و مواجب خانگی شکسته اند، و با طرح بیمه بیکاری کذایی روز روشن از دستبرد صندوق بیمه کارگری، گردن کلفت میکنند. کافی است بخاطر بیاوریم سالانه تنها دویست هزار نفر و مطابق یک سهمیه بندی قبلی، از هفت خان شروط دلخواه شمول بیمه بیکاری فکسنی دولت جان سالم بدر میبرند. این قانون در اساس برای انکار وجود کارگران بیکار و سر دواندن آنها ابداع شده است.

باید به این مضحکه خونبار پایان داد، این امر فوری و هدف شدنی جنبش علیه بیکاری در ایران است.

مبارزه بر علیه بیکاری باید بر یک نقد بی پروا، تعرضی و طبقاتی کارگری در سطح کل جامعه متکی باشد. تا اینجا مبارزه مشترک کارگران شاغل و بیکار، اعتراضات قدرتمند با شعار دستمزدها و کاهش ساعات کار و همگی چتر افق سوسیالیستی از ملزومات غلبه بر عوارض و مشقات بیکاری شناخته شده اند. اما اکنون وقت آنست که به واقعیت دیگر مبارزه طبقاتی کارگری و مشخصا در ایران گردن نهاد: بدون یک جنبش قدرتمند کارگران بیکار در راه تحمیل بیمه بیکاری و کوتاه کردن دست تعرض طبقه حاکمه در زندگی روزمره و به بهانه بیکاری مبارزه بر سر سایر مطالبات و خواسته های کارگری از چشم انداز روشنی برخوردار نخواهد بود.

جنبش علیه بیکاری بر چهار محور زیر استوار است:

- 1- یا کار یا بیمه بیکاری معادل دستمزد برای همه افراد آماده بکار
- 2- آزادی حق تشکل و حق اعتراض برای کارگران بیکار

3- بیمه بیکاری معادل دستمزد و مشمول همه بیمه ها و مزایای کارگری
4- ایجاد صندوق دستمزدهای مساعده: همه کارگران باید امکان و حق داشته باشند حداقل دو هفته از دستمزد ماه آینده را از پیش دریافت دارند. این صندوقها باید با مشارکت و مسئولیت دولت در مراکز کارگری دایر شود. علاوه بر امنیت و آسودگی بیکاران در جستجوی کار، این تنها راه ممکن برای سد بستن در مقابل قرطاس بازی اسلامی سرمایه در ایران و دستمزد معوقه است.
جنبش علیه بیکاری بر تشکل شوراهای بیکاران در محلات استوار است؛ و از طریق ارتباط و همکاری این شوراها یک جنبش سراسری و تعرضی و توده ای مبتنی بر مجمع عمومی در محلات کارگری را تعقیب میکند.

مراومه شوراهای بیکاران

۱- قسم نامه و حلقه مشترک موجودیت شوراها در این عبارت نهفته است:

هرگز، حتی یک عضو خانواده کارگری نباید از تامین شایسته غذا، پوشاک، سرپناه و ملزومات پایه ای زندگی محروم بماند.
هرگز، هیچ کس از میان اعضای طبقه کارگر نباید تنها گذاشته شود.

۲- هر عضو و هر فعالیت فردی و جمعی در این سازمان باید در خدمت تحقق این قسم نامه قرار بگیرد. قسم نامه به عنوان راهنمای عمل و نه به عنوان یک سنگ نوشته مقدس است.

۳- شوراهای بیکاران در پاسخ به نیاز مبرم میلیون ها کارگر برای دفاع از معیشت و ملزومات پایه ای زندگی خود و خانواده آنها بوجود آمده است. اعضای این تشکیلات کارگرانی هستند که توسط دولت و سرمایه داران از حق و امکان تامین زندگی از طریق کار خود محروم گشته اند.

۴- مشخصه شوراها تلاش سازمان یافته جمعی در راه رفع نیاز فوری به غذا، پوشاک، سرپناه و سایر موارد ضروری زندگی در منطقه فعالیت آنها است. چگونگی دستیابی به این ملزومات، و آنها با سرعت و در حد کافی، فلسفه وجودی این تشکل است.